

روش تفہیر قرآن بہ قرآن

از دیدگاه علامہ طباطبائی رحمۃ اللہ علیہ

بر اساس دروس

استاد حاج شیخ محمد حسن وکیلی

شیخ روح اللہ شفیعیان

سرشناسه	: شفیعان، روح الله، ۱۳۶۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: روش تفسیر قرآن به قرآن از دیدگاه علامه طباطبائی؛ بر اساس دروس استاد حاج شیخ محمدحسن وکیلی
مشخصات نشر	: مشهد: انتشارات مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، ۱۳۹۲.
مشخصات فهارسی	: ۱۷۲ ص.
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا،
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع	: تفسیر قرآن به قرآن.
موضوع	: تفسیر - فن.
موضوع	: تفاسیر شیعه - قرن ۱۴ - نقد و تفسیر.
شناسه افزودن	: الف، وکیلی، محمد حسن.
	: انتشارات مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۱ ۷۷ ش BP۹۱/۵.
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۷/۱۷۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۷۸۱۴۴۹.

روش تفسیر قرآن به قرآن از دیدگاه علامه طباطبائی

مؤلف: شیخ روح‌الله شفیعان

ناشر: انتشارات مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام

چاپ اول: بهار ۱۳۹۲

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۴۸۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸۶۰۰۶۴۶۲۱۶۵

آدرس: مشهد مقدس، بین چهارراه زرینه و چهارراه مقدم، کاشانی ۲۵، شماره ۴/۴۹۰

تلفن و فکس: ۰۵۱۱-۲۲۸۵۸۰۰-۳

پایگاه اطلاع‌رسانی: www.isin.ir

پست الکترونیک: info@isin.ir

حق چاپ محفوظ است

فهرست مطالب

۹	سخن ناشر.....
۱۳	مقدمه مؤلف:.....
۲۵	بخش اول: تقریر نظریه علامه طباطبائی
۳۰	تفسیر و مفسر.....
۳۲	ظاهر و باطن.....
۳۸	محکم و متشابه.....
۳۸	مفهوم محکم، متشابه و تاویل در قرآن.....
۳۸	معنی کلمات محکم، متشابه و تاویل.....
۳۹	اصطلاح محکم و متشابه از نظر قرآن.....
۴۰	آیات متشابه دلالت بر مراد دارد.....
۴۱	فرآیند فهم متون.....
۴۲	استقلال و تمامیت قرآن کریم در دلالت.....
۴۴	اما سؤال اینجاست که منشأ پیچیدگی آیات قرآن کریم چیست؟.....
۴۷	دلایل نظر علامه طباطبائی قدس سره.....
۴۸	الف. توصیفات قرآن کریم از روشنی و آشکاری خویش.....
۵۳	ب. دقت در اسلوب بیانی قرآن کریم.....
۵۵	ج. ذکر و موعظه بودن قرآن مجید.....
۵۷	د. دعوت به تدبر در آیات وحی.....
۵۹	ه. تحدی قرآن مجید.....
۵۹	و. ارجاع به قرآن.....
۶۰	۱: در شبهات و فتن.....
۶۱	۲: عقاید و معارف.....

۶۲	 ۳: مسایل فقهی و حقوقی
۶۶	 ۴: ادب تلاوت و تدبیر
۶۷	 ز. اخبار عرض
۷۱	 ح. روایات دال بر فهمیدنی بودن قرآن
۷۲	 دیدگاه مخالفان
۸۰	 آثار و پیامدهای این نظر
۸۱	 بهره ما از فهم قرآن
۹۰	 ظاهرگرایی و ظاهری گری
۹۱	 شاهد اول: در مبدأ
۹۳	 شاهد دوم: در معاد
۹۶	 نقش اهل بیت (علیهم السلام) در تفسیر قرآن
۱۰۷	 علامه طباطبائی (رحمه الله) غواص دریای احادیث
۱۱۰	 قصص و آیات الاحکام
۱۱۳	 تذکر:
۱۱۵	 روش تفسیر قرآن به قرآن و مساله تحریف
۱۱۶	 چند یادآوری

بخش دوم: دست ما کوتاه و خرما بر نخیل: بررسی اشتباهات کتاب

۱۱۹	 بافته ها
۱۲۱	 بافته ها
۱۲۸	 اشتباهات و نقدها
۱۲۸	 اشتباه اول:
۱۲۹	 نقد:
۱۲۹	 اشتباه دوم:
۱۳۰	 نقد:
۱۳۱	 اشتباه سوم:

۱۳۱.....	نقد:
۱۳۲.....	اشتباه چهارم:
۱۳۲.....	نقد:
۱۳۳.....	اشتباه پنجم:
۱۳۳.....	نقد:
۱۳۴.....	اشتباه ششم:
۱۳۵.....	نقد:
۱۳۵.....	اشتباه هفتم:
۱۳۵.....	نقد:
۱۳۶.....	اشتباه هشتم:
۱۳۶.....	نقد:
۱۳۷.....	اشتباه نهم:
۱۳۷.....	نقد:
۱۳۷.....	اشتباه دهم:
۱۳۸.....	نقد:
۱۳۸.....	اشتباه یازدهم:
۱۳۹.....	نقد:
۱۴۰.....	اشتباه دوازدهم تا هفدهم:
۱۴۰.....	نقد:
۱۴۲.....	اشتباه هجدهم:
۱۴۳.....	نقد:
۱۴۳.....	اشتباه نوزدهم:
۱۴۴.....	نقد:
۱۴۵.....	اشتباه بیستم:
۱۴۵.....	نقد:

بخش سوم: ضمائم ۱۴۷

ضمیمه ۱: بخشی از مقاله «نگاهی به گفتگو درباره میزان» ۱۴۹

کلام ناقد محترم: ۱۴۹

نقد اول ۱۵۱

نقد دوم ۱۵۱

نقد سوم ۱۵۲

نقد چهارم ۱۵۲

ضعف سندی ۱۵۵

ضعف دلالتی ۱۵۵

ضمیمه ۲: بخشی از تقریرات درس خارج مکاسب آیت‌الله مددی دام عزّه ۱۵۸

تحلیلی بر اختلاف اخباریان و اصولیان در ظواهر کتاب ۱۵۸

تقسیم آیات بر حسب نوع دلالت آنها ۱۶۳

کتابنامه ۱۶۷

معرفی محصولات ۱۷۲

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على نبينا محمد وآله الطاهرين
ولعنة الله على اعدائهم اجمعين

سخن ناشر

اسلام به عنوان يك مكتب جامع و كامل كه زندگي بشريت را تا قيام قيامت
براي رسيدن به اوج كمال و سعادت هدايت و مديريت مي كند، از طرف
خداوند متعال كه مبدا كامل جعل و تشريع معارف و احكام و نظامات حكيمه
اسلامی است، بر قلب نورانی برترین مخلوق و سيد و سرور انبياء حضرت
محمد بن عبدالله ﷺ نازل و توسط ايشان و اوصياء گراميشان تبیین گردید و در
اختيار دل های مشتاق هدايت قرار گرفت. برای فهم اسلام و رسيدن به مقصود
الهی و حرکت براساس «حجت»، در طول تاريخ اسلام اسلوب ها و روشهای
متعددی مطرح و مورد تبعیت بسياری از اندیشمندان و عوام مسلمين قرار
گرفته است. از اين رو حقيقت تعدد سلاط و گوناگونی روش های فهم دين را
نمی شود انكار كرد.

در مواجهه با اين موضوع كه موضوعی بس مهم و پر چالش است، بايد با
شرح صدر و براساس منطق صحيح حرکت نمود. در غير اين صورت آفت های
متعددی گريبانگير مجامع علمی و متدينين خواهد شد.

ما نه می توانيم اختلاف روش ها را انكار كنيم و نه می توانيم با برخورد يك
جانبه همه را خطا بدانيم و همگان را به انحراف و فسق متهم نمائيم.

از سوی دیگر صحیح‌ترین روش فهم دین و بهره‌مندی از منابع «قرآن» و «عترت» و «عقل» برای دریافت پیام الهی در همه عرصه‌ها، مورد بحث و بررسی علماء بزرگ اسلام واقع شده و استانداردسازی نیز شده‌است، که یکی از آنها روش فقهات شیعی پیشرو و با سابقه است که تمامی مبادی آن توسط حضرات معصومین علیهم‌السلام ارائه شده‌است. فرمول‌های کشف حقیقت نیز در بداهت اشکال منطقی منتج در اختیار است که باید اعمال آن را در سطح قالب و ماده قضایا به شدت مراقبت نمود تا نتیجه بدیهی یا نظری منتهی به بدیهی و صادق حاصل آید.

به نظر می‌رسد بر اساس اسوه بودن اولیاء کمل، شایسته است از تنوری دعوت سه بعدی قرآنی: «دعوت با حکمت، موعظه حسنه و جدال به احسن» برای بحث و بررسی و رسیدن به تفاهم و تعامل در فضای فکر و اندیشه استفاده نمائیم. حضرات معصومین علیهم‌السلام هم خود و هم شاگردانی که تربیت نموده بودند با صاحبان اندیشه و بزرگان مکاتب دیگر مناظره می‌کردند.

آنچه از تمام این مناظرات به دست می‌آید «مراعات ادب» و برخورد محترمانه با طرف مقابل و عدم تحریک او برای تعصب و خصومت است.

«موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام» که «راهبرد تفاهم» را در زمینه تعامل علمی با فرهیختگان و صاحب‌نظران انتخاب نموده، خوشبخت است که زمینه نقد و بررسی و تبیین اندیشه‌های بنیادین اسلامی با فرائد های مختلف آن را فراهم کرده است. در این راستا سلسله دروس جناب حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد حسن وکیلی (دام عزه) در نقد «مکتب تفکیک» در موسسه برگزار شد. اینک حاصل بخشی از آن مباحث در بررسی «روش تفسیر قرآن به قرآن» توسط فاضل ارجمند حجة الاسلام شیخ روح‌الله شفیعیان تنظیم و

تدوین گردیده است که تقدیم ارباب اندیشه و نظر و طالبان حق و حقیقت می گردد.

در این جا آمادگی هر گونه تعاطی علمی سالم و روشمند را به سمع و نظر همه سروران و اعزّه رسانیده و برای برقراری زمینه «تفاهم و تعامل علمی» تمام وسع خود را به کار خواهیم گرفت.

امید است خوانندگان محترم مباحث را با دیده تحقیق نگرسته و فارغ از هر نوع پیش داوری و تعصب، ما را قرین راهنمایی های سودمند خود بنمایند.

انتشارات موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام

رجب المرجب ۱۴۳۳

بسم الله الرحمن الرحيم
 وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ
 وَكَفَّلَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ
 وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

مقدمه:

از همان سالهای آغازین تحصیل در حوزه علمیه قم از گوشه و کنار بسیار شنیده بودم که برخی از ساتی، تفسیر المیزان را عالی ترین و برترین تفاسیر اسلامی می دانستند و برخی دیگر نیز با شدت و حدت خاصی، این اثر و نویسنده اش را ملامت می کردند که به جای اینکه در فهم و تفسیر قرآن در مقابل اهل بیت (علیهم السلام) زانوی ادب به زمین بزند کوشیده تا با عقل ناقص خویش پرده از رخسار لطایف و حیانی و معارف قرآنی بردارد. مگر تفسیر به رای جز این است؟!

حرف های گروه دوم انصافاً دلنشین بود و با غیرت دینی ما هم سازگارتر می نمود؛ به ویژه اینکه ارتباط نزدیک حقیر با برخی از ایشان سبب شد تا در عشق راستین ایشان به اهل بیت (علیهم السلام) ذره ای تردید نداشته باشم. اما از آن سو طرف داران المیزان و روش تفسیری علامه طباطبائی (رحمه الله) هم عالمان سترگی بودند که به هیچ روی نمی شد از آنها و دیدگاهشان چشم پوشید. و لذا تحقیق بیشتری لازم بود.

«اصل اجتهاد در اسلام» تألیف استاد شهید آیت الله مطهری اولین جرقه را در ذهنم روشن کرد. ایشان پس از تبیین تفاوت های دو مسلک اخباری و اصولی می فرمایند:

«البته مکتب اخباری در اثر این مقاومت ها شکست خورد و الان جز در گوشه و کنارها پیروانی ندارد، ولی همه افکار اخباری

گری که به سرعت و شدت بعد از پیدایش ملا امین در مغزها نفوذ کرد و در حدود دویست سال کم و بیش سیادت کرد از مغزها بیرون نرفته، الان هم می‌بینید خیلی‌ها تفسیر قرآن را اگر حدیثی در کار نباشد جایز نمی‌دانند. جمود اخباری‌گری در بسیاری از مسائل اخلاقی و اجتماعی و بلکه پاره‌ای مسائل فقهی هنوز هم حکومت می‌کند. فعلاً مجال شرح و بسط نیست. یک چیز که باعث رشد و نفوذ طرز فکر اخباری در میان مردم عوام می‌شود آن جنبه حق به جانب عوام پسندی است که دارد، زیرا صورت حرف این است که می‌گویند ما از خودمان حرفی نداریم، اهل تعد و تسلیم هستیم، ما جز قال الباقر علیه السلام و قال الصادق علیه السلام سخنی نداریم، از خودمان حرف نمی‌زنیم، حرف معصوم را می‌گوییم.

این جملات بر من تأثیر فراوانی گذاشت و برایم معلوم شد که ریشه این داستان را باید در نزاع اخباری و اصولی بجویم؛ رسایل شیخ انصاری به خوبی پاسخ سؤالاتم را داد و مرا با مراد «إنما یعرف القرآن من خطب به» و اشتباهات اخباریان در فهم این روایت آشنا ساخت. بدین گونه بسیاری از اشکالاتی که مخالفان المیزان در نتیجه نفوذ تفکرات اخباری‌گری، بر این اثر و نویسندesh وارد ساخته بودند برایم حل شد و از ذهنم راحت بربست اما هنوز دو مسأله باقی مانده بود: یکی تقریر و تبیین صحیح و دقیق «روش تفسیر قرآن به قرآن» و دیگری پاسخ برخی از اشکالات «تفکیکیان» به المیزان. ورود من به حوزه علیمه مشهد مصادف بود با چاپ کتاب «صراط مستقیم». کتابی که توانست تا حد زیادی تنور بحث‌های فلسفی، تفکیکی را

داغ نماید. فرصت خوبی بود تا به هر دو مسأله باقی مانده بپردازم. ابتدا به سراغ نویسنده کتاب رفتم چهره‌ای جذاب و دلنشین؛ عالمی فرهیخته؛ حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد حسن وکیلی. از او خواستم تا به روشنی «روش تفسیر قرآن به قرآن» را برایم تقریر و تبیین نماید. حاصل آن گفتگوها بخش اول این کتاب است که در آن کوشیده‌ام تا بدون پیش داوری و اظهار نظر، دیدگاه علامه طباطبایی را درباره تفسیر قرآن از زبان خودش بیان سازم.

در گام بعدی برای حل مسأله دوم به سراغ آثار هر چند اندک بزرگان مکتب تفکیک رفتم. خیلی زود دریافتیم که مکتب تفکیک به ویژه در تقریر کنونی‌اش حرف اثباتی مشترک بسیار کم دارد و متأسفانه امروزه تبدیل شده به یک جریان بیشتر عملی در جهت مبارزه با هر آنچه فلاسفه و عرفا گفته‌اند. البته کاملاً طبیعی بود زیرا که مشهد از دیر باز یکی از کانونهای مبارزه با فلسفه و عرفان بوده و طرفداران مسلک اخباری‌گری به ویژه از عصر مرحوم «شیخ حرّ عاملی» در تضعیف هرچه شدیدتر علوم عقلی و عرفان کوشیده بودند، لذا تعدادی از فضلاء شهر تحت تأثیر اخباری‌گری بوده و هستند با این تفاوت که اخباریان پا را از فقه فراتر نمی‌نهادند و ایشان مدعی جواز تمسک به اخبار آحاد در عقاید!! و تفسیر و هر آنچه به «باید و نباید» ختم نشود، هستند^۱

۱- مرحوم شیخ انصاری در بحث اعتبار ظن در اصول دین چند نظر را بیان کرده که پنجمین آنها اعتبار اخبار آحاد در اصول دین است. ایشان این دیدگاه را آن‌چنان سخیف می‌داند که نسبت دادن آن به اخباریین را حتی نمی‌پذیرد:

«الخامس: كفاية الظن المستفاد من أخبار الآحاد و هو الظاهر مما حكاه العلامة قدس سره في النهاية عن الأخباریین من أنهم لم يعملوا في أصول الدين و فروعه إلا على أخبار الآحاد و حكاه الشيخ في عدته في مسألة حجية أخبار الآحاد عن بعض غفلة أصحاب الحديث و الظاهر أن مراده

همچنین دریافتیم مخالفت ایشان با علامه طباطبائی قدس سره پیشینه‌ای دراز دارد و به زمان تدریس اسفار توسط وی در حوزه قم برمی‌گردد آن زمان که فضایی تفکیکی به آیه‌الله بروجردی تاختند تا درس علامه طباطبائی را تعطیل سازند. پس از آن نیز با نشر هر یک از مجلدات المیزان، مخالفت تفکیکیان با مؤلف بیشتر شد چنانچه مع‌الاسف تا به امروز در چشم طلاب تفکیکی، تفسیر المیزان تفسیر به رأی بوده و از کتب ضالّه محسوب می‌شود!! مرحوم آیه‌الله صالحی مازندرانی دربارهٔ وضعیت استادان تفکیکی حوزه خراسان در زمان نشر مجلدات المیزان می‌گویند:

«پس از عریمت به قم، در سفری مجدداً جهت زیارت و دیدار با اساتید به مشهد مشرف شدم. در یکی از روزها، به منزل یکی از علما و اساتید مشهد که از مخالفین سرسخت فلسفه و عرفان بود، رفتم. ایشان بعد از سلام و احوال‌پرسی به مذمت فلاسفه پرداختند. درست است که من طلبه‌ای بیش نبودم، اما اگر قبول نکنیم که هرچه فلاسفه گفته‌اند از باء بسم‌الله تا تاء تمت درست و صحیح باشد، این حق را نداریم که همه چیزهایی را که گفته‌اند باطل به حساب آوریم. ایشان به این خیال که من طرفدار ارسطو، افلاطون، سقراط، ملاصدرا و ابن سینا هستم، تا آنجا که توانستند علیه این فیلسوفان سخن گفتند. من علاوه بر آنچه که در اصول و فقه خوانده بودم، در فلسفه هم دستی داشتم به همین دلیل، ابتدا به‌خاطر جوانی سن خودم و بررگ‌واری ایشان کوتاه آمده، چیزی نگفتم و دو زانو نشسته، به حرف‌هایش

گوش می‌کردم. تعبیرهای نامطلوبی به علامه طباطبایی نثار می‌کردند؛ از جمله به این نکته اشاره کرد که علامه طباطبایی منکر وحی هستند. بالاخره سکوت را شکسته، گفتم چگونه چنین چیزی ممکن است. ایشان به چه دلیل و چگونه می‌توانند وحی را انکار کنند. جبرئیل قابل انکار نیست، مگر آن که بعضی در نحوه وجود جبرئیل تشکیک کنند که مجسم می‌شود یا به صورت روح است. ایشان روبه من کرد و گفت که علامه در المیزان، وحی را انکار کرده و ثانیاً در کتابش به نام «وحی یا شعور مرموز» به وحی گفته‌اند شعور مرموز!! در جواب گفتم: اگر وحی شعور مرموز باشد آیا این دلیل بر انکار آن است؟ گفت که ایشان وحی را شعور مرموز می‌دانند. به او گفتم که شما در وحی، قائل به شعور هستید یا نه و در توضیح این جمله گفتم که جبرئیل وحی را می‌آورد و حضرت پیامبر ﷺ وحی را می‌گیرد. آیا پیامبر آنچه را به عنوان وحی از جبرئیل می‌گیرد نفی می‌کند؟ مگر او با عقل و شعورش وحی را لمس نمی‌کند؟ پس شعور هست؛ شعور پیچیده و مرموز و غیر عادی که در ما وجود ندارد...»^۱

بخش دوم این کتاب پاسخی است به اشکالات مکتب تفکیک بر روش تفسیر قرآن به قرآن که البته از آنجا که بزرگان این جریان در این زمینه حرف مشترک کمتر دارند حقیر صرفاً به نقد دیدگاه‌های جناب استاد سیدان دام عزه، به عنوان شاخص‌ترین چهره حال حاضر مکتب تفکیک، پرداخته‌ام و باز چون ایشان هم چندان اثر مکتوبی در این زمینه ندارند، منبع مطالعاتی حقیر یکی

مصاحبه ایشان درباره میزان با مجله گفتگوهای قرآنی بود و دیگری کتاب در نوع خود عجیب و غریب «بافته‌های یونانی در تضاد با یافته‌های وحیانی»، که نویسنده در بخشی از آن به تقریر نظرات استاد خویش؛ جناب استاد سیدان دام عزه درباره تفسیر قرآن به قرآن پرداخته است.

مهم آنکه اثر حاضر به هیچ روی نقد کتاب مزبور نیست زیرا که حقیر آن را فاقد ارزش علمی حداقلی یافته‌ام بلکه تنها از آنجا که نویسنده مطالب خود را درباره تفسیر قرآن به قرآن به استاد خویش نسبت داده است، به عنوان منبعی برای نظرات استاد سیدان دام عزه مورد استفاده قرار گرفته است.



تفسیر قرآن به قرآن که بایسته اصلی تفسیر میزان است همان روش تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد که مرحوم آیه‌الحق و العرفان حاج میرزا علی آقای قاضی اعلی‌الله مقامه آن را احیاء نمودند^۱ و حضرت علامه نیز که از سفره علوم مرحوم قاضی بهرمند بودند بر اساس همین روش تفسیر میزان را تألیف فرمودند.^۲

متأسفانه این روش تفسیری در طول تاریخ مورد غفلت واقع شده بود و اگر

۱- حضرت علامه آیه‌الله طهرانی رحمته‌الله در کتاب «مهر تابان» ص ۶۲ و ۶۳ می‌فرمایند: «ما روش تفسیری علامه طباطبائی قدس سره، طبق روش تفسیری استادشان در عرفان و علوم باطنیه الهیه؛ مرحوم آیه‌الله حاج میرزا علی آقای قاضی بوده‌است که تفسیر آیات به آیات است؛ یعنی مفاد و محصل آیه قرآن، از خود قرآن استنتاج می‌کردند. مرحوم آیه‌الله قاضی بدین سبک، تفسیری از ابتدای قرآن تا سوره انعام را نوشته‌اند، و به تلامذه خود این‌طور کتاب الهی را تعلیم می‌نموده‌اند.» مرحوم استادمان حضرت علامه کراماً می‌فرمودند: «ما این روش تفسیری را از مرحوم قاضی داریم»

۲- از دیگر بزرگانی که شرف استفاد از مرحوم قاضی را فی الجمله یافته و به عظمت این سبک تفسیری اعتراف نموده‌اند مرحوم آیه‌الله خوئی رحمته‌الله نقل می‌باشند متن سؤالی که از محضر ایشان شده و پاسخشان چنین است: «سؤال ۱۳۲۲: تفسیر القرآن بالقرآن ما تقولون فيه؟ و هل يصح فهم بعض الآيات من خلال آيات أخرى؟

(الخوئی: احسن التفسیر تفسیر القرآن بالقرآن حیث یمکن فهم معنی الآیه من خلال آیات أخرى، و الله العالم. (صراط

گذشتگان پی به اهمیت آن برده بودند، امروزه درهای بسیاری از معارف قرآن گشوده شده بود. حضرت علامه در آغاز رساله «الانسان بعد الدنيا» که بر اساس تفسیر آیه به آیه و روایت به روایت نگاشته شده، می‌فرمایند:

«فإن المسلك الذي نستعمله من تفسير الآية بالآية و الرواية بالرواية بعيد الغور منيع الحريم و وسيع المنطقة لا يتيسر استيفاء الحظ منه في رسالة واحدة يقاس فيها النظر بالنظر و الشبه بالشبه و الأطراف بالنسب و يؤخذ بها الجار بالجار و ستقف إن شاء الله العزيز علي صحة قولنا هذا.

و من الإنصاف أن نعترف أن سلفنا من المفسرين و شراح الأخبار أهملوا هذا المسلك في استنباط المعاني و استخراج المقاصد فلم يورثونا فيه و لا يسيرا من خطير فالحاجم إلي هذه الأهداف و الغايات علي صعوبة منالها و دقة مسلكها كساع إلي الهيجاء بغير سلاح و الله المستعان.»^۱

مسلماً یکی از اصول تفسیر قرآن به قرآن استخفاف قرآن از روایات است که این امر یکی از علل اساسی بدبینی تفکیکیان به تفسیر شریف المیزان می‌باشد و گمان می‌کنند این مسأله به معنای بی‌اعتنایی به روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) و استقلال در مقابل ایشان است و این امر بر تفکیکیان که به تعبیر خود

۱- رسائل توحیدیه، ص ۲۰۳. روشی که به کار می‌گیریم؛ یعنی تفسیر آیه با آیه و تفسیر روایت با روایت، روشی است بس عمیق که به این زودی‌ها به حرم آن نتوان رسید و در رساله‌ای که تنها به ذکر نمونه‌ای از میان نظایر گوناگون اکتفا می‌کند، بهره تمامی نتوان از آن برگرفت. ان‌شالله خوانندگان به زودی به صحت این ادعای ما واقف خواهند گشت. انصافاً باید اعتراف کرد که شارحان اخبار و مفسران گذشته، به کار گرفتن چنین روشی را برای استنباط معانی و مقاصد آیات و روایات نادیده گرفتند و در نتیجه برای ما در این امر آثاری هر چند ناچیز نیز به جای نگذاشتند. بنابراین، کسی که عزم چنین اهداف و غایاتی کند با وجود این که رسیدن به آنها دشوار است و گام زدن در طریقشان بس دقیق و ظریف، هم‌چون کسی ماند که بدون سلاح به میدان جنگ بشتابد. و الله المستعان. (انسان از آغاز تا انجام، ص: ۶۷)

«ولایت‌مدار!!» می‌باشند بسیار گران می‌آید و سبب می‌شود که طلاب را از این تفسیر که مدعی اند تفسیر به رأی است، برحذر دارند.

نویسنده کتاب «یافته‌های وحیانی» نیز قسمتی از کتاب خود را به شرح انتقادات استاد خود جناب استاد سیدان دام عزه بر این نظریه اختصاص داده و خود نیز مطالبی به آن افزوده است و حضرت علامه را مخالف اهل بیت قلمداد نموده و حتی در اعتقاد ایشان به ائمه تشکیک کرده است؛ غافل از این که ولایت‌مدار حقیقی، حضرت علامه تذلل بوده و روش تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام همان روش تفسیر قرآن به قرآن می‌باشد و نویسنده کتاب از ولایت فقط به اسم آن قناعت نموده است.

در دفتر حاضر، نظریه تفسیر قرآن به قرآن مشروحاً تبیین شده است و پس از آن به بیست مورد از اشتباهات مروجین مکتب تفکیک، در شرح و نقد این نظریه اشاره شده است.

در اینجا ذکر چند تذکر مفید می‌نماید:

۱- پس از مرحوم علامه طباطبایی رحمته‌الله در کتاب، مقالات و مصاحبه‌های مختلفی درباره سبک تفسیر قرآن به قرآن و جایگاه روایات در المیزان سخن گفته شده است و زوایای مختلفی از این سبک مورد بررسی قرار گرفته است.^۱ در این دروس بنا نبوده آنچه دیگران گفته‌اند تکرار شود و همچنین بنا به پرداختن به ثمرات و لوازم تفسیری و فقهی این نظریه که بسیار نیز مهم می‌باشد؛ نبوده است بلکه سخن از جنبه‌ای از این روش تفسیری است که مورد نقد تفکیکیان واقع گردیده و در حد اطلاع، در هیچ یک از منابع به طور شفاف و

۱- به عنوان نمونه رجوع کنید به مقدمه تفسیر تسنیم تألیف آیه‌الله جوادی آملی و کتاب قابل تقدیر «علامه طباطبایی و حدیث: روش شناسی نقد و فهم حدیث از دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان» تألیف خانم نفیسی

روشن به آن پاسخ داده نشده است.

محور دفتر حاضر تبیین مبنای استقلال قرآن از روایات در نظریه تفسیر قرآن به قرآن و برخی تفاوت‌های اساسی این روش (روش تفسیری اهل بیت علیهم السلام) با روش تفکیکیان در مواجهه با قرآن کریم می‌باشد^۱ و خوانندگان محترم اگر می‌خواهند از سایر زوایای تفسیر قرآن به قرآن مطلع گردند، باید به دیگر منابع مراجعه نمایند.

۲- غرض اصلی در این دروس تبیین دقیق و صحیح این نظریه بوده است نه اثبات آن و لذا فقط به بیان ادله نظر مرحوم علامه پرداخته شده است بدون این که از هر یک از این ادله و میزان دلالت آن تفصیلاً بحث شود. به طور کلی تعدادی از اشکالات تفکیکیان در مسائل مختلف ناشی از تصور ننمودن فرمایشات بزرگان است نه این که مطلبی را تصور نموده و سپس اشکال کرده باشند. لذا در پاسخ شبهات ایشان فقط کاف است مسائل علمی به شکل صحیح تبیین شود.

۳- مطالب این دروس متناسب با طلاب فارغ از مرحله سطح حوزه علمیه (اتمام رسائل و کفایه) تنظیم شده است و لذا سعی شده است از ورود در بحث‌های پیچیده‌تر غالباً اجتناب شود.

۱- به عبارت دیگر نظریه علامه طباطبائی تحت دارای دویخض اصلی است؛ اول آنکه: قرآن متنی فهمیدنی است و در دلالت خود تام و مستقل است. ثانیاً این متن فهمیدنی را ما می‌توانیم بفهمیم. و اما این که لوازم تمامیت قرآن کریم در دلالت چیست و ما به چه میزان و چگونه می‌توانیم قرآن را بفهمیم؟ از اصل این نظریه خارج است. و از آن جا که نوک پیکان شبهات تفکیکیان و اخباریان به سوی اصل این نظریه و خصوصاً مقدمه نخست آن (استقلال و تمامیت قرآن در دلالت و تفهیم) است؛ در نوشتار پیش رو نیز عمده تلاش متوجه اصل این نظریه و خصوصاً مقدمه اول شده است.

۴- اساس و خلاصه مطالب این درس پیشتر در حاشیه کتاب «صراط مستقیم» بیان شده بود^۱ و این درس در حقیقت شرح یکی از حاشیه‌های «صراط مستقیم» است که برادران تفکیکی - همچون دیگر نقدهایی که بر صراط مستقیم نگاشته‌اند - به جهت دقت نمودن به انتقاد و اشکال برخاسته‌اند.

بسم‌الله دفتر حاضر به گونه‌ای تدوین شده‌است که با خواندن آن بر هر انسان منصفی روشن می‌شود که تفکیکیان با عدم شناخت صحیح از معنای «تفسیر قرآن به قرآن» چه جفایی در حق این نظریه و علامه طباطبایی رحمته‌الله نموده‌اند و در اثر کمی دقت و ضعف علمی، تعدادی از طلاب حوزه علمیه هم از انوار تابناک و گرمابخش این مهر تابان و خورشید فروزان محروم شده‌اند.

در پایان مراتب تشکر و سپاس‌گزاری خود را قبل از همه از استاد حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد حسن وکیلی و سپس از مسئولین محترم «مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام» که زمینه بحث و گفتگو در این عرصه را فراهم نموده‌اند عرض نموده و از خداوند متعال اجر

۱- در ص ۷۹ این کتاب آمده است:

اری، ادعای مزبور درباره قرآن مجید شاید ممکن باشد. یعنی می‌توان گفت قرآن مجید در دلالتش بر معانی عالی خود، محتاج قرائتی عقلی و شهودی که فقط برخی آن را می‌فهمند نمی‌باشد، و هر جا محتاج تاویل باشد خودش در درون خود، قرینه‌ای بر تاویل دارد؛ چرا که قرآن مجید خود را کتاب هدایت و نور و تبیان معرفی می‌نماید و حتی احادیث برای ارزیابی محتاج به قرآن هستند. البته این بدان معنا نیست که ظهور هر ایامی به تنهایی قابل اعتماد است، بلکه آنچه از قرآن مجید پس از بررسی همه آن و تدبیر در آن فهمیده می‌شود مراد جدی صاحب کتاب (خداوند تعالی) می‌باشد و برای کشف مراد جدی محتاج به قرائن صارفه عقلی و یا عرفانی نمی‌باشیم، گرچه تدبیر در قرآن مستلماً محتاج تحصیل علوم عقلی و عرفانی و انس با روایات می‌باشد. این روش بحث، پایه تفسیر قرآن به قرآن و سبک تدبیر است که مرحوم حضرت علامه طباطبائی رحمته‌الله بر آن اصرار می‌ورزند و معتقدند که در کشف معارف قرآن نباید هیچ فهم کلامی یا فلسفی یا عرفانی یا تجربی را داخل کرد و قرآن خود مفسر خود می‌باشد. روش تفسیر «المیزان» از آغاز تا پایان نیز چنین می‌باشد. معلوم است که چنین ادعایی درباره روایات ممکن نیست، چون دلیلی نداریم بر این که مجموعه روایات همه مبین یکدیگر باشند و هیچ روایتی بدون قرینه وجود نداشته باشد و نه می‌توان ادعا کرد که تمامی روایات به دست ما رسیده‌است و تحریف به نقیصه در مجموعه آنها صورت نگرفته‌است (برای توضیح بیشتر ر ک: «تفسیر المیزان»؛ مقدمه و «تسْنِیم» ج ۱، مقدمات؛ و به خصوص: صص ۶۴-۶۸ و ۷۲-۷۵ و ۱۲۱-۱۴۰).

جزیل برای ایشان تمنا می‌نمایم. همچنین از سرور مکرم استاد شیخ محمد حسین رضایی زیدعزه که با حوصله فراوان اثر حاضر را بعد از تدوین مطالعه نموده و نکاتی چند به آن افزودند نهایت سپاس‌گزاری را بجای می‌آورم.

امید آنکه این اثر ناچیز مورد رضا و قبول خداوند متعال و اهل بیت علیهم‌السلام واقع شده و گامی مؤثر در راه فهم قرآن کریم باشد.

شیخ روح‌الله شفیعیان

مشهد مقدس

رجب المرجب / ۱۴۳۳